

## ● اهداف کتاب

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این کتاب، شایستگی‌های

زیر را کسب نماید:

۱. دانش عمومی را بشناسد و نقش و اهمیت آن را در زندگی اجتماعی تشریح کند؛ دانش علمی را بشناسد و نسبت به وضعیت دانش علمی جامعه، احساس مسئولیت کند؛ با آگاهی از تعامل دانش عمومی و دانش علمی، فوائد، جایگاه و رسالت علوم اجتماعی را تشخیص دهد و به مطالعه و تحقیق در علوم اجتماعی علاقه‌مند شود.
۲. با ظرفیت جامعه‌شناسی پوزیتیویستی در مطالعه زندگی اجتماعی آشنا شود و در حد توان خود نقاط قوت و ضعف آن را نقد و ارزیابی کند؛ در مقیاس پژوهش دانش‌آموزی از این رویکرد برای بررسی یک پدیده اجتماعی مشخص مانند ترافیک استفاده کند.
۳. با ظرفیت جامعه‌شناسی تفسیری در مطالعه زندگی اجتماعی آشنا شود و در حد توان خود، نقاط قوت و ضعف آن را در مقایسه با جامعه‌شناسی پوزیتیویستی نقد و ارزیابی کند؛ در مقیاس پژوهش دانش‌آموزی از این رویکرد برای مطالعه تفهیمی – تفسیری یک پدیده اجتماعی معین مانند «زنگ تفریح» استفاده کند.
۴. با ظرفیت جامعه‌شناسی انتقادی در مطالعه زندگی اجتماعی آشنا شود و در حد توان خود آن را در مقایسه با سایر رویکردها نقد و ارزیابی کند؛ در مقیاس پژوهش دانش‌آموزی از این رویکرد برای بررسی انتقادی یک پدیده اجتماعی مشخص مانند آزمون ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی «کنکور» استفاده کند.
۵. ویژگی‌های علوم اجتماعی جهان اسلام را در مقایسه با رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی مدرن بشناسد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را تجزیه و تحلیل کند؛ براساس شناختی که از هویت فرهنگی و تمدنی علوم اجتماعی دارد برای مشارکت فعال و خلاق در تولید و توزیع علوم اجتماعی بومی، انگیزه و علاقه کافی داشته باشد.



## درس اول ذخیره دانشی

«گویند پادشاهی، پسر خود را به جماعتی اهل هنر سپرده بود تا او را از علوم نجوم آموخته بودند و استاد تمام گشته، با کمال کودنی و بلاهت! روزی پادشاه انگشتری در مشت گرفت و فرزند خود را امتحان کرد که بیا و بگو در مشت چه دارم؟ پسر گفت: آنچه داری گرد است و زرد است و تو خالی. پدر گفت: چون نشانی‌های درست دادی، پس حکم کن که آن، چه چیز باشد؟ پسر گفت: می‌باید که غربیل باشد. پدر گفت: آخر، این چندین نشانی‌های دقیق را که عقول در آن حیران شوند، دادی از قوت تحصیل و دانش؛ این قدر بر تو چون فوت شد که در مشت، غربیل نگنجد؟»

(فیہ مافیہ، مولوی)

آدمی از همان ابتدای تولد صداها را می‌شنود. کم‌کم چشم باز می‌کند، اطراف خود را می‌بیند و به مرور اشیا و افراد را از هم تشخیص می‌دهد. بعد از مدتی با کلمات آشنا می‌شود، سخن می‌گوید و با سخن گفتن، روند آگاه شدن او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می‌یابد. تا قبل از اینکه بتواند سخن بگوید، از راه حس (شنیدن، دیدن و...) می‌فهمید؛ اما وقتی زبان می‌گشاید، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش‌رویش باز می‌شود. از آن پس به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. پرسش و پاسخ از دیگران، باز هم راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می‌گشاید. راهی که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است. انسان با تفکر و تعقل، از دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌هایش فراتر می‌رود، معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد.

امروزه کودکان از شش سالگی به مدرسه می‌روند؛ در سنین بالاتر، راهی دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز تخصصی می‌شوند و دانش‌هایی را با عناوین مختلف می‌آموزند. هر آنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و... می‌آموزند، ذخیرهٔ آگاهی یا ذخیرهٔ دانشی آنها را شکل می‌دهد. هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیرهٔ دانشی دارد. این ذخیرهٔ دانشی، راهنمای زندگی آنهاست. آیا تاکنون دربارهٔ روش‌های به‌دست آوردن و حفظ کردن ذخیرهٔ دانشی و افزودن بر آن اندیشیده‌اید؟ آیا می‌دانید ذخیرهٔ دانشی چه انواعی دارد؟

## دانش عمومی

کنش آدمی وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که دربارهٔ کنش‌های خود داریم و اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم. اگر به کنش‌های روزمرهٔ خود مانند راه رفتن، تلفن زدن، احوالپرسی از دیگران، خرید و کارهای ساده و پیچیدهٔ دیگر توجه کنیم، شاید در نگاه اول گمان کنیم که این کارها بدون آگاهی و دانشی خاص انجام می‌شوند یا تصور کنیم، دانشی که برای انجام دادن این کارها داریم، اهمیت چندانی ندارد، اما این طور نیست.

فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی دعوت شده‌اید که در آن کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی، دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود. پیش از انجام دادن هر کاری فکر می‌کنید. حتی به اینکه چگونه راه بروید، چه وقت و چگونه حرف بزنید و چه بگویید یا چگونه غذا بخورید، می‌اندیشید. در این موقعیت متوجه می‌شوید که در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر شما پنهان بوده است. اگر این آگاهی‌ها و دانش‌ها نباشند، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد. این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به‌دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است. ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را «دانش عمومی» می‌نامند. به نظر شما چرا این دانش را به این نام می‌خوانیم؟ فردی را تصور کنید که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند. این فرد در موقعیت‌هایی که از آنها آگاهی ندارد، با مشکل مواجه می‌شود و اگر بخواهد برای انجام دادن هر کاری بیندیشد، زندگی‌اش بسیار پرزحمت می‌شود. به نظر شما چه راه چاره‌ای پیش روی او قرار دارد؟

او مجبور است پیش از انجام دادن هر کاری، فکر کند تا آگاهی لازم را برای انجام آن به‌دست آورد و بتواند آن را انجام دهد. در صورتی که آن عمل موفقیت‌آمیز باشد، دفعات بعد برای انجام دادن

آن از همان دانش قبلی استفاده می‌کند، پس در وقت و انرژی او صرفه‌جویی می‌شود و می‌تواند به فعالیت‌های دیگر بیندیشد و راه انجام آنها را بیابد. بدین ترتیب به سختی بر ذخیره دانشی او افزوده می‌شود.



■ فیلم سینمایی «دور افتاده» روایت فردی است که مجبور می‌شود به تنهایی در یک جزیره زندگی کند. او برای درست کردن آتش، ساعت‌ها وقت صرف می‌کند و برای کشیدن دندان خود پس از روزها تلاش مجبور می‌شود از ابزاری غیر متعارف استفاده کند.

اما از آنجا که ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد. دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ماست. ما درباره دانش عمومی کمتر می‌اندیشیم؛ بیشتر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم. دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما اغلب متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. او هنگامی متوجه وجود هوا می‌شود که تغییری در آن رخ دهد و تنفس را با مشکل مواجه نماید.

### گفت‌وگو کنید

به نظر شما یادگیری دانش عمومی از کدام مرحله زندگی انسان شروع می‌شود و تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟

### ببینیم و بدانیم

فیلم سینمایی «دور افتاده» داستان فردی است که بر اثر یک اتفاق، مجبور می‌شود چهار سال به تنهایی در جزیره‌ای خالی از سکنه زندگی کند. با تماشای این فیلم درمی‌یابید که انجام دادن هر کنشی چقدر دشوار می‌شود اگر جهان اجتماعی، دانش عمومی لازم برای انجام آن را در اختیار ما قرار نداده بود.

## دانش علمی

دانش عمومی بخشی از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد. ذخیره دانشی بخش دیگری نیز دارد که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید. به این دانش عمیق‌تر و دقیق‌تر، «دانش علمی» می‌گویند.

زبان یک پدیده اجتماعی است. ما درباره این پدیده اجتماعی هم «دانش عمومی» و هم «دانش علمی» داریم. با مقایسه دانش کاربران و سخنگویان زبان فارسی با دانش متخصصان زبان فارسی به تفاوت این دو بیندیشید.

کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد؛ آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.



■ ساعت از قدیمی‌ترین ابداعات بشر است. او با استفاده از دانش زمان خود برای اندازه‌گیری، نشان دادن و نگهداری زمان، ابزارهایی مانند ساعت آبی، آفتابی، شنی و شمعی ساخته است. امروزه فناوری، انسان را قادر ساخته، ساعت‌های بسیار ظریف و دقیق الکترونیکی، کامپیوتری و حتی اتمی بسازد.

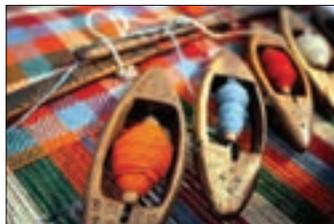
تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند. دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد؛ مثلاً کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت در یک کشور می‌تواند زمینه فعالیت و رشد علم جمعیت‌شناسی را فراهم کند.

انسان در زندگی اجتماعی با مسائل و مشکلات زیادی مواجه می‌شود؛ مسائلی مانند ناامنی، ترافیک، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون‌گریزی، بحران هویت، بحران اخلاقی، بحران آگاهی و... همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات

را می‌شناسند و برای حل برخی از آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند. اما افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آنها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند.



■ آبیاری کوزه‌ای از روش‌های سنتی آبیاری در مناطق خشک ایران بوده است. در این روش، کوزه‌های سفالی را پای گیاه در زیر خاک قرار می‌دادند. آب کم‌کم از جداره سفالی می‌تراوید و به خاک نفوذ می‌کرد. این روش، شیوه جدید آبیاری زیر سطحی با لوله‌های قطره‌چکان بوده است.



■ نیاز به پوشاک از نیازهای اولیه انسان بوده و صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع بشری است. به تدریج با پیشرفت صنعت، زمینه علمی شدن نساجی و شکل‌گیری مهندسی نساجی فراهم شد.

گاهی در جامعه، میان «دانش عمومی» و «دانش علمی» تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای جامعه، برای حل این تعارض‌ها، تلاش می‌کنند. حل تعارض‌ها گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود. جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند؛ مثلاً جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند<sup>۱</sup>. اگر چنین رویکردی، به جوامع دیگر که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرایت کند، در ذخیره دانشی آن جوامع، تعارضاتی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود، دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

۱- هم‌اکنون این رویکرد، در جهان غرب نیز پذیرفته نیست و با مخالفت‌های اساسی متفکران غربی مواجه شده است.

وقتی دربارهٔ موضوعی، دانش علمی قابل توجهی فراهم می‌شود، علم ویژه‌ای شکل می‌گیرد. هر علمی دربارهٔ موضوعی خاص بحث می‌کند. از این‌رو علوم از نظر موضوع متفاوت‌اند؛ مثلاً «وجود» موضوع فلسفه، «کمیت» موضوع ریاضی، «طبیعت» موضوع فیزیک و «موجودات زنده» موضوع زیست‌شناسی هستند. موضوع علوم اجتماعی چیست؟

در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» بر «روش» علوم تأکید کردند. آنها روش تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند که همهٔ علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آنها با این گفته به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیر علمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند، علم تلقی کردند.

این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد. یکی از این چالش‌ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربهٔ ما بر خلاف اصول اولیهٔ آن باشد، ما تجربهٔ خودمان را نادرست می‌دانیم نه آنچه علم ریاضی می‌گوید؛ مثلاً اگر هزار نفر بیایند و ۵۱۰ گردو را در کنار ۳۲۰ گردو بشمارند و مجموع این گردوها را ۸۳۱ گردو اعلام کنند، ما نظر همهٔ آنها را نادرست می‌دانیم و ۸۳۰ را نتیجهٔ درست شمارش می‌دانیم. یا اگر هزار نفر با نقاله، زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همهٔ آنها را خطا می‌دانیم.

ایدهٔ علوم اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) ناظر به برخی از مسائل بالا مطرح شده است. ما دانشی می‌خواهیم که همسو با هویت فرهنگی و ناظر به حل مسائل جامعه خودمان باشد (دانش مفید) و همچنین دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد (به زبان و منطق جهان‌شمول سخن بگوید). شما برای اینکه نظام علمی کشور ما همسو با هویت فرهنگی ما، پاسخگوی مسائل و مشکلات جامعه خودمان باشد و از سویی دیگر در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد چه پیشنهاداتی دارید؟

### مفاهیم اساسی

– دانش عمومی .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### خلاصه کنید

– دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## علوم اجتماعی

### درس دوم

معمولاً هر کدام از شما، تا قبل از حضور معلم در کلاس، مشغول کارهایی مانند مطالعه کردن، صحبت کردن با دوستان یا بگو و بخند هستید. اما با حضور معلم و شروع رسمی کلاس، رفتار تان تغییر می‌کند؛ مثلاً به سمت جلوی کلاس برمی‌گردید و صحبتتان را قطع می‌کنید. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که با حضور معلم و شروع رسمی کلاس، چه اتفاقی می‌افتد که دانش‌آموزان، تقریباً همه حرف‌ها یا کارهای ضروری‌شان را کنار می‌گذارند و همگی به شیوه معینی رفتار می‌کنند؟ چرا اگر همین دانش‌آموزان در زمین ورزش یا زنگ تفریح در کنار هم قرار بگیرند، رفتار آنها مانند رفتارشان در کلاس درس نیست؟ چرا اگر در همین کلاس و با حضور معلم، جشن یا مراسمی برگزار شود، کسی به آن کلاس درس نمی‌گوید و رفتار دانش‌آموزان و معلم هم مانند کلاس درس نیست؟ بنابراین کلاس درس، هر چند از اجزا و عناصری مانند اتاق، میزها، صندلی‌ها، دانش‌آموزان و معلم تشکیل شده اما خود، واقعیتی بیشتر از این اجرا است که بر همه این عناصر تأثیر می‌گذارد.

همه ما، تأثیر اجتماعی مثل کلاس، محله، خانواده، روستا، شهر، کشور و جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم بر رفتار خودمان احساس می‌کنیم و در مقابل، کم و بیش متوجه تأثیر کنش‌های خودمان بر ایجاد، تداوم و تغییر این اجتماعات نیز هستیم.

مطالعه علمی این اجتماعات به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید. در واقع علوم اجتماعی به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آنها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آنها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند. آیا می‌دانید علوم اجتماعی چه فوایدی و چه شاخه‌ها و انواعی دارند؟ از جامعه‌شناسی چه می‌دانید؟

## فواید علوم اجتماعی

ما حتی اگر درباره علوم طبیعی اطلاعات چندانی نداشته باشیم، می‌پذیریم که این علوم خوب هستند و نتایج سودمندی دارند.



■ پلی در جزیره کانتی واشنگتن



■ پل جاودانه‌ها، هانگ‌شانگ چین

آیا درباره علوم اجتماعی هم همین نظر را دارید؟ به نظر شما علوم اجتماعی چه فوایدی دارند؟ با مقایسه علوم طبیعی و علوم اجتماعی می‌توانیم به برخی فواید علوم اجتماعی پی ببریم: علوم طبیعی، جهان طبیعی و پدیده‌های آن را مطالعه می‌کنند. این علوم با شناخت طبیعت و قوانین آن، به انسان قدرت پیش‌بینی حوادث طبیعی و پیشگیری از آنها را می‌دهند و به او در استفاده از طبیعت کمک می‌کنند. علوم طبیعی و فناوری حاصل از آنها، ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و همچنین وسیله غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

علوم اجتماعی نیز با شناخت پدیده‌های اجتماعی، به انسان‌ها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند. البته به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌ها و سایر پدیده‌های اجتماعی و تنوع آنها، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است. دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آنها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند. ما با شناخت قواعد زندگی در خانواده، کلاس، شهر، محله، کشور و دیگر اجتماعات، هم از فرصت‌های آنها برخوردار می‌شویم و هم از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان می‌مانیم. علاوه بر این، علوم اجتماعی فواید دیگری هم دارند که علوم طبیعی ندارند؛ علوم اجتماعی زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم می‌سازند و به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک می‌کنند.

علوم اجتماعی، ظرفیت داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آنها را دارند. علوم اجتماعی با داوری دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آنها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را هم دارند. علوم اجتماعی، دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آنها کمک می‌کنند، از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند. از این رو، علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.



■ انتشار خبر دروغین فوتِ آلفرد نوبل، شیمی‌دان سوئدی، مخترع دینامیت و صاحب کارخانهٔ اسلحه‌سازی بوفورس در یک روزنامه، او را به فکر انداخت که تصویر بهتری از خود برای آیندگان به جا گذارد. در آن خبر آمده بود: «فرشته مرگ مرد. فردی که با یافتن راهی برای کشتن افراد بیشتر در زمانی کمتر، ثروتمند شده بود، دیروز مرد». نوبل بیشتر دارایی خود را به جایزه‌ای به نام خود اختصاص داد تا همه ساله به افراد شایسته اهدا گردد.



■ شکستن سنگ در معادن سنگ و تخریبِ ایمنِ سازه‌های عظیم و آسمان‌خراش‌ها با استفاده از دینامیت بدون آسیب رسیدن به ساختمان‌های اطراف.

با توجه به آنچه در درس خواندید دربارهٔ دو مسئله زیر و پیامدهای آنها گفت و گو کنید.

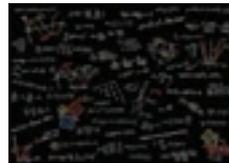
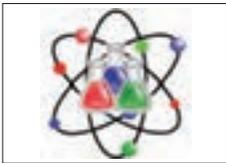
- در کشور ما بسیاری از مدیران ارشد که برنامه ریزی برای کشور از وظایف آنهاست، فارغ التحصیل و دانش آموختهٔ علوم انسانی نیستند.
- امروزه، فناوری بر زندگی بشر سیطره یافته است و به جای اینکه انسان، توسعهٔ فناوری را هدایت و راهبری کند، فناوری، زندگی انسان‌ها را کنترل می‌کند.

## شاخه‌های علوم اجتماعی

علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن؛ یعنی پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند. کنش‌های اجتماعی، ابعاد و انواع مختلفی دارند. برای بررسی و مطالعهٔ این انواع و ابعاد، دانش‌های مختلفی به وجود آمده است؛ یعنی همان‌طور که بدن انسان اعضای مختلفی دارد و تخصص‌های گوناگونی دربارهٔ آن پدید آمده است، زندگی اجتماعی انسان نیز به دلیل اینکه ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دارد، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را پدید آورده است. اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، ارتباطات، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی و جغرافیای انسانی از جمله رشته‌هایی هستند که پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند.



انتخاب رشته تحصیلی دانشگاهی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی شماست. برای انتخاب رشته باید رشته‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنید. برای مقایسه، به ملاک و معیار نیاز دارید. بسیاری از خانواده‌ها بیشتر ملاک آینده شغلی را در نظر می‌گیرند و با این ملاک به ارزیابی رشته‌ها می‌پردازند؛ یعنی هر رشته‌ای را که فرصت‌های شغلی بیشتر و بهتری داشته باشد، ترجیح می‌دهند. به نظر شما، در بین رشته‌های علوم اجتماعی کدام رشته از آینده شغلی بهتری برخوردار است؟ آیا ملاک دیگری غیر از آینده شغلی برای مقایسه رشته‌های علمی وجود دارد؟



■ امروزه رشته‌های علوم پایه که از اساسی‌ترین علوم محسوب می‌شوند، مهجور مانده‌اند و در انتخاب رشته، جزء اولین انتخاب‌ها قرار نمی‌گیرند.

## جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است. برخی جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را علم شناخت «کنش اجتماعی» و بعضی آن را علم شناخت «ساختار اجتماعی» دانسته‌اند. «جامعه‌شناسی خرد»، کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد را بررسی و مطالعه می‌کند؛ «جامعه‌شناسی کلان» ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند. جامعه‌شناسی خرد و کلان نیازمند به هم و مکمل یکدیگرند.



■ بررسی پدیده‌های خرد و کلان در جامعه‌شناسی شهری؛ روابط همسایگی، ریخت‌شناسی شهری، ترافیک، آلودگی و مهاجرت.

۱- با مفهوم ساختار اجتماعی در درس بعد آشنا می‌شوید.

در جامعه‌شناسی بر اساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، جامعه‌شناسی تفهیمی - تفسیری و جامعه‌شناسی انتقادی سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی اند.

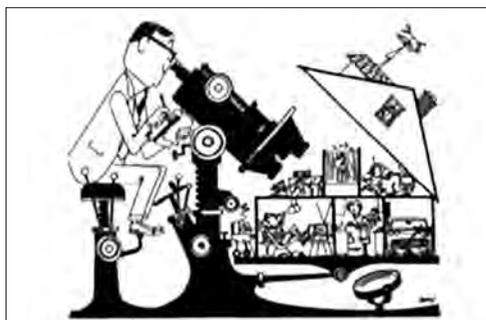
#### ● جامعه‌شناسی پوزیتیویستی

جامعه‌شناسی در آغاز شکل‌گیری خود در قرن نوزدهم میلادی سعی کرد به علوم طبیعی به‌ویژه علم فیزیک نزدیک شود. به همین دلیل اگوست کنت، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای این رشته برگزید. موفقیت‌های بی‌سابقه علوم طبیعی، برخی جامعه‌شناسان این دوره را علاقه‌مند کرده بود که جامعه‌شناسی را هرچه بیشتر به علوم طبیعی نزدیک و شبیه نمایند. این رویکرد که جامعه‌شناسی را در زمره دانش‌های ابزاری<sup>۱</sup> قرار می‌دهد، با نام «جامعه‌شناسی پوزیتیویستی» شناخته می‌شود.

در جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی دانسته می‌شوند و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود. بنابراین روش مطالعه آنها نیز یکسان دانسته می‌شود. در این رویکرد روش مطالعه جامعه همان روشی که در مطالعه طبیعت به کار گرفته می‌شود، یعنی روش حسی و تجربی است و همان‌طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسان‌ها فراهم می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد.



■ تندیس اگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸ م) در فرانسه



■ در جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، روش مطالعه طبیعت و جامعه یکسان دانسته می‌شود.

۱- علوم طبیعی و فناوری حاصل از آنها، ابزار تسلط انسان بر طبیعت و رهاسازی او از محدودیت‌های طبیعی‌اند. از این رو به آنها دانش‌های ابزاری نیز می‌گویند.

## ● جامعه‌شناسی تفهیمی – تفسیری

در قرن نوزدهم میلادی برخی متفکران اجتماعی آلمانی از جمله ویلهلم دیلتای و ماکس وبر، مدعی شدند که هر چند جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی، نظم و قواعد خاصی دارد اما انسان‌ها مانند موجودات طبیعی نیستند و پدیده‌های اجتماعی نیز با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارند. وبر معتقد بود کنش اجتماعی معنادار است و پدیده‌های معنادار را نمی‌توان همانند پدیده‌های طبیعی از طریق حواس مطالعه کرد، بلکه باید معنای آنها را فهمید. این رویکرد در جامعه‌شناسی به «جامعه‌شناسی تفهیمی» مشهور شد.

برای درک نظر جامعه‌شناسان تفهیمی به مثال زیر توجه کنید:

بوق زدن یک کنش انسانی است. شما از ویژگی‌های بیرونی و قابل مشاهده بوق، مانند طول موج و فرکانس، معنای آن را نمی‌فهمید اما بوق‌ها علی‌رغم ظاهر یکسان، در موقعیت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارند. بوق زدن می‌تواند به معنی سلام کردن، تشکر کردن، هشدار دادن، شادی کردن، اعتراض کردن و... باشد. شما زمانی می‌توانید بوق زدن دیگری را درک کنید و به آن پاسخ مناسب بدهید که معنایش را بفهمید.



■ پل هنر در پاریس.

زوج‌های جوان برای جاودانه شدن پیوندشان بر دیواره این پل قفلی آویزان می‌کنند.



■ در سال‌های مقدس یوبیل یا ژوبیله، پاپ در مقدس کلیسای سنت پیترو را می‌گشاید تا هزاران کاتولیک که از سراسر جهان به رم شتافته‌اند، به امید بخشش تمام گناهانشان، از آن عبور کنند.

با اینکه وبر بر «روش تفهیمی» به عنوان روش ویژه علوم اجتماعی تأکید می‌کرد اما همچنان علم را به علم تجربی محدود می‌دانست و معتقد بود، آنچه جامعه‌شناسان می‌گویند، باید با روش تجربی اثبات شود، وگرنه ارزش علمی ندارد. از این رو از نظر وبر جامعه‌شناس فقط می‌تواند آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی را توصیف کند اما نمی‌تواند درباره این آرمان‌ها و ارزش‌ها داوری علمی کند، چون روش تجربی توان و ظرفیت داوری علمی ندارد؛ مثلاً جامعه‌شناس می‌تواند برای مدتی با اعضای یک گروه سیاسی زندگی کند و از این راه عقاید و ارزش‌های آنها را توصیف و

درک کند، اما نمی‌تواند دربارهٔ درست یا غلط بودن این عقاید و ارزش‌ها داوری کند و به نقد یا اصلاح آنها بپردازد؛ زیرا از نظر وبر با این کار جامعه‌شناس از دایره علم خارج می‌شود یا به نام علم، کار غیرعلمی می‌کند.

### ● جامعه‌شناسی انتقادی

در قرن بیستم، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی به نام «جامعه‌شناسی انتقادی» پدید آمد. جامعه‌شناسی انتقادی بیشتر از جامعه‌شناسی تفهیمی از علوم طبیعی فاصله گرفت. جامعه‌شناسان انتقادی علاوه بر روش‌های تجربی و تفهیمی، روش‌های دیگری را نیز به رسمیت می‌شناسند. همین روش‌ها به آنها امکان می‌دهد که دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارها داوری کنند و برای عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب، راه‌حلهایی ارائه کند. مهم‌ترین هدف جامعه‌شناسان انتقادی، نقد وضعیت موجود جامعه برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب‌تر است. جامعه‌شناسی انتقادی، دو رویکرد قبلی جامعه‌شناسی؛ یعنی جامعه‌شناسی پوزیتیویستی و تفهیمی را محافظه‌کار می‌داند؛ زیرا آن رویکردها نمی‌توانند دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی داوری کنند و به شرایط موجود تن می‌دهند.

### مقایسه کنید

با تکمیل جدول زیر، سه نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهیمی - تفسیری و انتقادی را مقایسه کنید.

جامعه‌شناسی انتقادی	جامعه‌شناسی تفهیمی - تفسیری	جامعه‌شناسی پوزیتیویستی	نوع معیار
			چه چیزی را مطالعه می‌کند؟ (موضوع)
			چگونه مطالعه می‌کند؟ (روش)
			چه هدفی را دنبال می‌کند؟ (هدف)

در جامعه‌شناسی مدرن پدیده‌های اجتماعی را می‌توان با رویکردهای متفاوتی مطالعه کرد و انواع مختلفی از دانش اجتماعی را تولید کرد.

**تبیینی:** بیان «چرایی» یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد و زوال آن است. پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم شناخته می‌شدند، در ارتباط با یکدیگر قرار داده می‌شوند و میان پدیده‌هایی که پیشتر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی طرح می‌شود. ممکن است در تبیین، علاوه بر «چرایی» به «چگونگی» هم اشاره شود. چرایی به علت شکل‌گیری پدیده‌ها مربوط می‌شود و چگونگی به فرایند و روند پدیده‌ها توجه می‌کند. در دوره حاکمیت رویکرد پوزیتیویستی و محدود دانستن علم به دانش حسی و تجربی صرفاً تبیین‌های تجربی (همانند تبیین‌هایی که در علوم طبیعی صورت می‌گیرد) به رسمیت شناخته می‌شد.

**تبیینی تفهیمی:** هدف تفهیم، فهمیدن معنا و محتوای کنش‌ها و نظم‌های اجتماعی است، ولی در دوره حاکمیت رویکرد پوزیتیویستی، که صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شدند، روش تفهیمی تنها در خدمت و حاشیه تبیین تجربی به کار گرفته می‌شد. کشف معانی، تنها در صورتی که در قالب تبیین‌های تجربی بیان گردد، ارزش علمی دارد. (تفاوت علوم اجتماعی و علوم طبیعی صرفاً در موضوع آنها پذیرفته می‌شود، مانند جامعه‌شناسی تفهیمی ماکس وبر).  
**تفهیمی - تفسیری:** هدف علوم اجتماعی دقیقاً فهم کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی است. تکیه بر فهم کنش آدمی و تفهیمی بودن علوم اجتماعی، راه را برای ورود روش‌های تفهیمی - تفسیری که خود را جایگزین تبیین می‌دانند به علوم اجتماعی می‌گشاید. با تردید در رویکرد پوزیتیویستی و غلبه رویکردهای تفسیری و پسامدرن، این بار تبیین در سایه و حاشیه تفهیم و تفسیر قرار می‌گیرد. اگر تبیین را دانش کلی و عام (همه جا و همیشه) بدانیم؛ تفسیر، دانش جزئی و خاص (اینجا و اکنون) خواهد بود. تأکید بر تفسیر به معنای دست شستن از دانش مشترک و جهانشمول و بسنده کردن به دانش‌های فرهنگی و تاریخی خاص است. تفهیم و تفسیر به عنوان روش ویژه علوم انسانی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود و علم تجربی و روش تبیینی مورد تردید جدی قرار می‌گیرد.

**تجویزی و انتقادی:** به بایدها و نبایدهای پدیده اجتماعی مورد مطالعه نظر دارد. به توصیف، تبیین و تفهیم بسنده نمی‌شود بلکه پژوهشگر به داوری ارزشی پدیده مورد مطالعه می‌پردازد و آن را با ملاک‌های ارزشی (خوب و بد) و هنجاری (باید و نباید) داوری می‌کند. مثلاً صرفاً به توصیف و تبیین تبعیض نژادی در جامعه نمی‌پردازد بلکه آن را تقبیح یا رواج عدالت اجتماعی را تحسین می‌کند. در نبایدها، واقعیت موجود را نقد می‌کند و در بایدها، شرایط مطلوب و راه عبور از شرایط موجود به شرایط مطلوب را تجویز می‌کند. غلبه رویکرد پوزیتیویستی در جامعه‌شناسی موجب شد تا گزاره‌های تجویزی و انتقادی بیرون از حوزه علوم اجتماعی قلمداد شوند. این باور با عنوان «جدایی دانش از ارزش» بیان می‌شد. غلبه رویکردهای تفسیری و به حاشیه رفتن رویکرد پوزیتیویستی، راه را برای بازگشت رویکردهای تجویزی و انتقادی به دوران دانش اجتماعی می‌گشاید.





## درس سوم نظم اجتماعی

چند وقت پیش با پدرم برای تماشای شهر آورد استقلال و پرسپولیس به ورزشگاه آزادی رفتیم. از قبل، بلیت اینترنتی تهیه کرده بودیم. بعد از ماه‌ها انتظار، با کلی ذوق و شوق، چند ساعت زودتر راهی ورزشگاه آزادی شدیم. در راه رسیدن به ورزشگاه، ترافیک بسیار سنگین بود. انبوه دست‌فروش‌ها، کاسبی می‌کردند. زباله‌های روی زمین، منظره ناخوشایندی ایجاد کرده بود. اوضاع درهم و برهمی بود. به سختی وارد محوطه استادبوم شدیم و جمعیت بسیار زیاد آبی‌ها و قرمزها را دیدیم. با اینکه نزدیک چهار ساعت به شروع بازی مانده بود، استادبوم پر شده بود. می‌گفتند که مردم از صبح زود منتظر ورود به ورزشگاه بوده‌اند. حتی بعضی‌ها شب قبل، از شهرستان آمده و بیرون استادبوم چادر زده بودند. خلاصه نتوانستیم جای مناسبی برای نشستن پیدا کنیم. صندلی خالی بود ولی بعضی‌ها آنها را برای دوستانشان نگه داشته بودند. بعضی از آبی‌ها علیه قرمزها و قرمزها علیه آبی‌ها شعارهایی خجالت‌آور سر می‌دادند و... ترجیح دادیم به منزل برگردیم و بازی را از تلویزیون تماشا کنیم. هنگام برگشت، با پدرم صحبت می‌کردیم که چرا این همه جمعیت از این همه ساعت قبل به استادبوم می‌آیند و منتظر می‌مانند تا بازی شروع شود؟ چرا برخی تماشاچیان، رفتارهای نابه‌هنجار دارند؟ و خیلی چراهای دیگر.

به راستی با وجود این همه بی‌نظمی برگزاری شهر آورد زیبا و جذاب با این تعداد زیاد از تماشاچیان چگونه امکان‌پذیر می‌شود؟

## قواعد اجتماعی

با اینکه در ورزشگاه آزادی بی‌نظمی بیشتر به چشم می‌آید ولی نظم هم وجود دارد، هر چند کمتر دیده می‌شود. در واقع ما بی‌نظمی را بیشتر می‌بینیم و نظم را مشاهده نمی‌کنیم؛ زیرا به نظم عادت کرده‌ایم. قدری تأمل کنید؛ در همان مثال ورزشگاه چه نظم‌هایی وجود دارند که به آنها توجه نکرده‌اید؟

در روز برگزاری شهرآورد، وسایل نقلیه عمومی برای رسیدن به ورزشگاه وجود دارد، پلیس در خیابان‌ها حضور دارد، هنگام ورود به ورزشگاه، نیروی انتظامی تماشاچیان را بازرسی می‌کند، همه بازیکنان به موقع در زمین بازی حاضر می‌شوند، بازی سر ساعت معین شروع می‌شود، بازی طبق قواعد از پیش تعیین شده انجام می‌شود و....

در زندگی روزمره نیز بی‌نظمی بیشتر از نظم به چشم می‌آید. دانش‌آموزی که دیر به مدرسه می‌رسد یا تکالیف خود را به موقع انجام نمی‌دهد، راننده‌ای که در شانه‌های خاکی جاده رانندگی می‌کند یا سبقت غیرمجاز می‌گیرد، کارمند بانکی که در پرداخت وام، آشنایان و بستگان خود را در اولویت قرار می‌دهد، پزشکی که بیماران خود را در مطب منتظر می‌گذارد و... بیشتر به چشم می‌آیند در حالی که نظم‌ها از نظر ما پنهان هستند و کمتر به چشم می‌آیند؛ مثلاً دانش‌آموزان اغلب به موقع در مدرسه حاضر می‌شوند، مردم معمولاً قواعد راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کنند و....



■ در زندگی روزمره بی‌نظمی بیشتر به چشم می‌آید و نظم از نظر پنهان می‌ماند.

ما نمی‌توانیم نظم را مشاهده کنیم به دلیل آنکه به نظم عادت کرده‌ایم. جامعه‌شناسان برای شناختن نظم، از امور آشنا و مانوس «آشنایی زدایی» می‌کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می‌کنند و در کنار بی‌نظمی، نظم را می‌شناسند.

در زندگی ما انسان‌ها نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیزی وجود دارد که با هنر آشنایی‌زدایی از امر مأنوس، می‌توان آنها را کشف کرد. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از نظم‌های پنهان زندگی خود و دیگران را مثال بزنید؟



■ راه رفتن یک کنش اجتماعی پیش‌با افتاده به‌نظر می‌رسد ولی برای راه رفتن صحیح، هر فرد تلاش می‌کند قواعدی را رعایت کند. او فاصله و حالتی به خود می‌گیرد تا هنگام رد شدن از کنار دیگری با او برخورد نکند یا طوری به‌نظر نیاید که همراه دیگری راه می‌رود.

■ به‌گفته‌ی گیدنز گردشگران غربی وقتی نخستین بار از یک کشور مسلمان دیدن می‌کنند از صدای اذان که روزی پنج مرتبه از مناره‌ها به‌گوش می‌رسد، شگفت‌زده می‌شوند. این صدای زیبا و گیرا برای اکثر غربی‌ها نامأنوس اما برای ساکنان محلی جزئی از زندگی روزمره است.

نظم اجتماعی در نتیجه‌ی قواعدی برقرار می‌شود که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم. نظم یعنی قرار گرفتن هر پدیده در جای خود. جای پدیده‌ها را همین قواعد تعیین می‌کنند. نظم اجتماعی پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آنها را امکان‌پذیر می‌نماید؛ باعث می‌شود که شما بدانید، می‌توانید چه توقعات و انتظاراتی از دیگران داشته باشید و اتفاقات غیرمنتظره، شما را از همکاری با دیگران باز ندارند.

ما اغلب می‌دانیم که باید از راننده‌ی تاکسی، پلیس، پزشک، همسایه یا دوست انتظار چه رفتارهایی را داشته باشیم و در مواجهه با آنها چگونه رفتار کنیم. گرچه ممکن است گاهی دانسته‌هایمان غلط از آب درآیند، دیگران مطابق انتظارات رفتار نکنند و حوادثی خلاف قواعد رخ دهند.

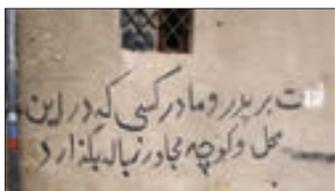
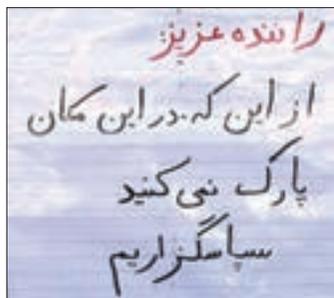


■ نظم اجتماعی در نتیجه‌ی قواعدی که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم، برقرار می‌شود اما گاهی دیگران مطابق انتظارات رفتار نمی‌کنند و حوادثی خلاف قواعد رخ می‌دهند.

جامعه‌شناسان در شناختن نظم اجتماعی، به این پرسش‌ها توجه می‌کنند؛ قواعد و هنجارهای باهم زندگی کردن چگونه به وجود می‌آیند؟ چگونه دوام می‌آورند؟ چگونه تغییر می‌کنند؟

### هم‌اندیشی کنید

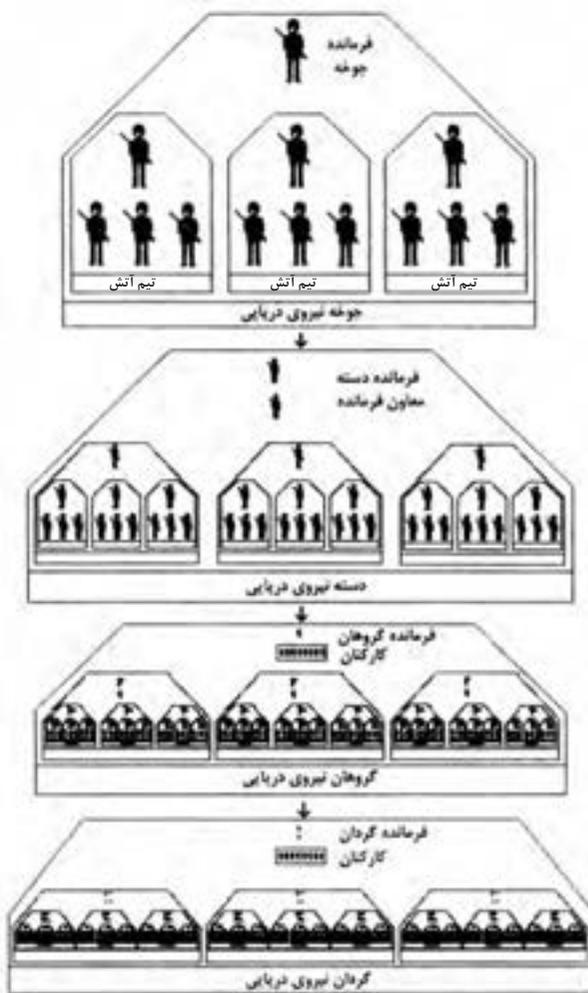
شما وضعیت قانون‌گرایی و قانون‌گریزی در جامعه ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا زندگی اجتماعی فقط با قوانین رسمی سامان می‌یابد یا قواعد دیگری هم وجود دارند؟ آیا می‌توانید برخی از این قواعد غیررسمی را نام ببرید؟



■ اشیای تاریخی مربوط به هزاره سوم پیش از تاریخ که توسط چند تن از اهالی روستایی در سیستان و بلوچستان کشف و به اداره کل میراث فرهنگی استان تحویل داده شد.

## نظام اجتماعی

آموختید که قواعد اجتماعی، ارتباط ما با یکدیگر را امکان‌پذیر می‌سازند و سامان می‌دهند، کنش‌های ما را برای یکدیگر قابل‌پیش‌بینی می‌کنند و امکان مشارکت ما در زندگی اجتماعی را فراهم می‌آورند. اما خود این قواعد چگونه با هم مرتبط و سازگار می‌شوند؟ مثلاً قواعد اقتصادی یعنی قواعد تولید، توزیع و مصرف چگونه با یکدیگر هماهنگ می‌شوند؟ یا قواعد اقتصادی چگونه با قواعد زندگی خانوادگی یا قواعد سیاسی هماهنگ می‌شوند؟ جامعه‌شناسان برای پاسخ به این پرسش‌ها، از «ساختار اجتماعی» سخن می‌گویند. ارتباط میان پدیده‌های اجتماعی ساختار اجتماعی نامیده می‌شود. ساختار اجتماعی چگونگی رابطه و پیوند میان پدیده‌های اجتماعی مختلف است.



ساختار اجتماعی را در گروه‌های رسمی مانند سازمان‌ها بهتر می‌توان دید. در هر سازمانی حقوق و تکالیف مربوط به هر نقش، چگونگی روابط میان اعضا و... مشخص است. ساختار نیروی دریایی، در نمودار روبه‌رو مثال خوبی از یک ساختار اجتماعی است.

■ سنگ بنای نیروی دریایی تیم آتش است. تیم آتش متشکل از سه تفنگدار و یک فرمانده تیم است. نقش مربوط به هر یک از این پایگاه‌ها، میزان اقتدار فرمانده، ارتباط این سه نفر با یکدیگر و با فرمانده مشخص گردیده است.

تیم‌های آتش در جوخه‌ها متشکل می‌شوند. روابط بین تیم‌ها و حقوق و وظایف فرمانده جوخه نیز مشخص گردیده است. جوخه‌ها دسته‌ها، دسته‌ها گردان‌ها، گردان‌ها هنگ‌ها، هنگ‌ها لشکرها و لشکرها نیروی دریایی را می‌سازند.

«نظام اجتماعی» مفهوم دیگری است که با نظم ارتباط دارد. نظام اجتماعی یک ساختار اجتماعی پویاست. اگر ساختار اجتماعی را به خودرویی تشبیه کنیم که در یک جا پارک شده، نظام اجتماعی همان خودرو است که روشن شده و در حرکت است.

منظور از پویا بودن نظام اجتماعی این است که بخش‌های مختلف آن بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند. نظام اجتماعی هم می‌تواند در خود تغییراتی به وجود آورد، و هم می‌تواند در محیط خود تغییراتی ایجاد کند. برداشت روزافزون از منابع تجدیدناپذیر، از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در محیط ایجاد می‌کند. رشد جمعیت نیز از جمله تغییراتی است که یک نظام در خود ایجاد می‌کند. نظام اجتماعی همانند یک موجود زنده تلاش می‌کند با تغییر در خود و محیط، نیازهای خود را تأمین کند و خود را در بلند مدت حفظ نماید. آیا می‌دانید یک نظام اجتماعی برای تداوم خود چه نیازهایی را باید تأمین کند و برای تأمین این نیازها باید چه سازوکارهایی را فراهم آورد؟



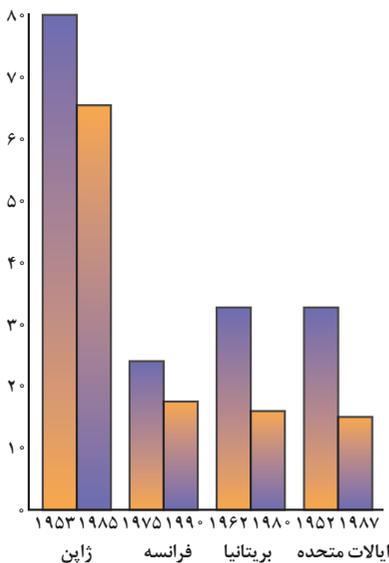
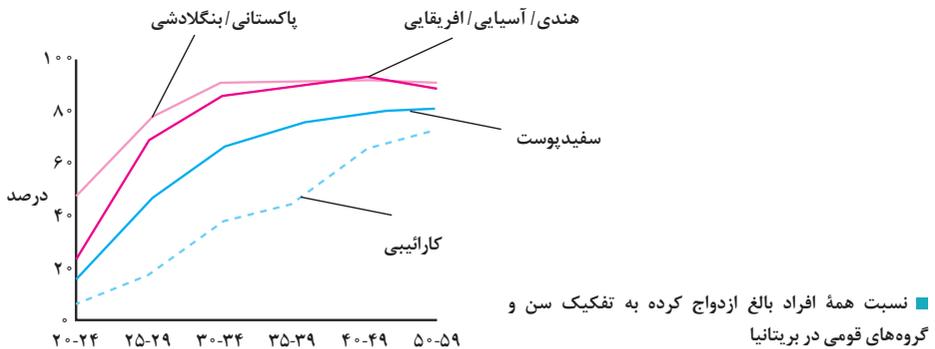
■ در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، وجود خانواده‌های بزرگ قاعده‌ای کلی بود. در میانهٔ قرن ۱۹ م هر یک از زوج‌های انگلیسی به‌طور متوسط شش فرزند داشتند.



■ امروزه اکثر کشورهای صنعتی به خاکستری شدن جمعیت دچارند. جمعیت بالای ۶۵ سال روبه افزایش است و این، کشورها را با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد ساخت.

گاهی تغییر در یک پدیده اجتماعی با تغییر در پدیده دیگر همراه است. این دو پدیده را «هم‌تغییر» می‌گویند. یعنی می‌توان تغییرات یکی از آنها را به کمک تغییرات دیگری توضیح داد. برخی از این هم‌تغییری‌ها قابل مشاهده‌اند و می‌توان آنها را با روش کمی و آماری مطالعه کرد.

به‌نظر شما آیا میان بیکاری در کشور و عواملی مانند میزان دانش و مهارت دانش‌آموختگان مدارس و دانشگاه‌ها، رکود اقتصادی، ناتوانی اقتصاد در ایجاد شغل و واردات بی‌رویه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا این روابط را می‌توان مشاهده و با روش‌های کمی مطالعه کرد؟



■ نسبت سالمندانی که با فرزندان خود زندگی می‌کنند برحسب کشور و زمان

## جامعه‌شناسی پوزیتیویستی

می‌دانید که جامعه را می‌توان به یک موجود زنده تشبیه کرد ولی باید به این نکته توجه داشت که جامعه یک موجود زنده نیست، بلکه شبیه یک موجود زنده است. برخی جامعه‌شناسان به تفاوت این دو عبارت توجه کافی نداشته‌اند. آیا شما به این تفاوت توجه کرده بودید؟



■ نظم اجتماعی در یکی از مدارس چین



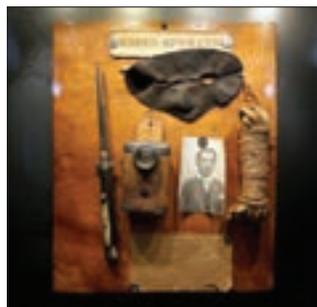
■ و برای ماه منزل‌ها معین کردیم. (یس: ۳۹)

همه ما از خودرو استفاده کرده‌ایم. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چه اتفاقی می‌افتد که چند تکه فلز و مقداری سوخت به حرکت در می‌آیند؟ براساس قوانین مکانیک، اگر مقداری سوخت را در یک محفظه فلزی به‌طور متراکم پخش کنیم و با جریان الکتریسیته، جرقه‌ای در آن ایجاد نماییم، سوخت منفجر می‌شود، نیرو تولید می‌کند و با انتقال این نیرو از طریق اهرم‌های فلزی به چرخ‌ها، خودرو حرکت می‌کند. یعنی خودرو زمانی حرکت می‌کند که اجزاء مختلف آن با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته باشند.

ما از خودرو استفاده می‌کنیم اما از چگونگی عملکرد اجزاء آن و نظم میان آنها اطلاع دقیقی نداریم درحالی‌که دانشمندان با فعالیت‌های علمی، نظم و ترتیب میان این اجزا را شناخته و سپس کنترل کرده‌اند تا بتوانند از آن در ساخت خودرو استفاده نمایند. علاوه بر این، آنها تلاش می‌کنند، با استفاده از فرمول‌های ریاضی و آزمایش‌های تجربی، اجزای خودرو را به شکل بهتری کنار هم قرار دهند و نظم کامل‌تری را میان آنها برقرار نمایند تا خودروی بهتری بسازند. دانشمندان سایر علوم مانند پزشکی و زیست‌شناسی نیز همین‌گونه عمل می‌کنند. آنها با شناخت قواعد حاکم بر بدن، به پیشگیری از بیماری‌ها و درمان آنها می‌پردازند.

به‌سبب همین موفقیت‌های دانشمندان علوم طبیعی، عده‌ای از جامعه‌شناسان علاقه‌مند شدند تا شباهت‌های جامعه و پدیده‌هایی همچون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند و نظم

جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزاء ماشین بدانند. از نظر آنها جوامع از انسان‌ها، نهادها، سازمان‌ها، ساختمان‌ها، خیابان‌ها، خودروها و بسیاری از عناصر دیگر تشکیل شده‌اند که با نظمی خاص در کنار هم قرار گرفته‌اند، همان‌طور که بدن و ماشین از اجزایی تشکیل شده‌اند که با نظمی خاص در کنار هم قرار گرفته‌اند.



■ لمبروزو، در تحقیقاتی درباره رفتار جنایی، مجسمه‌ها، اسکلت‌ها، مدل‌های مومی و اشیای متعلق به مجرمان را جمع‌آوری کرد. این مجموعه در حال حاضر در موزه انسان‌شناسی جنایی در دانشگاه تورینوی ایتالیا قرار دارد.

او با روش پوزیتیویستی می‌خواست مجرم بودن یا نبودن را با مشاهده ویژگی‌های جسمانی و ظاهری تشخیص دهد و بدین منظور ابزارهایی مانند نبض‌نگار آبی، مجسمه‌نگار، آوانگاشت و ... را به کار گرفت.

این تصور از جامعه و نظم اجتماعی به جامعه‌شناسی پوزیتیویستی مشهور است که علوم طبیعی را الگوی خود می‌داند و روش‌های علوم طبیعی را به کار می‌گیرد. جامعه‌شناسان پوزیتیویست معتقد بودند، همان‌طور که فرمول‌های فیزیک می‌توانند نظم میان اجزای یک خودرو را نشان دهند، جامعه‌شناسی نیز باید بتواند به فرمول‌هایی برای توضیح نظم اجتماعی دست پیدا کند و همان‌گونه که علوم طبیعی شناخت و کنترل طبیعت را برای ما ممکن ساخته است، جامعه‌شناسی نیز باید شناخت و کنترل جامعه و برقراری نظم اجتماعی را ممکن سازد.

جوامع اروپایی در ابتدای قرن ۱۸ میلادی با بی‌نظمی اجتماعی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده بودند و به دنبال راه چاره‌ای برای بازگرداندن نظم به جامعه می‌گشتند. موفقیت و پیشرفت علوم طبیعی در شناخت قوانین طبیعت و به‌کارگیری این قوانین با هدف کنترل طبیعت، برای کسانی که بی‌نظمی و آشفتگی اجتماعی را در جوامع خود تجربه می‌کردند، بسیار جالب توجه بود. از این رو عده‌ای از جامعه‌شناسان اروپایی نظریاتی مطرح کردند و در آن نظریات بر همانندی و یکسانی نظم اجتماعی و نظم طبیعی تأکید نمودند و از این همانندی نتیجه گرفتند که قوانین اجتماعی و قوانین طبیعی تفاوت چندانی با هم ندارند پس جامعه را می‌توان با همان روش‌های علوم طبیعی شناخت و کنترل کرد.

پس از جنگ جهانی دوم، در اواسط قرن ۲۰ میلادی، کشورهای اروپایی درگیر جنگ، دچار ورشکستگی شده بودند. در این زمان، رونق اقتصادی و نظم اجتماعی ایالات متحده آمریکا که از پیامدهای ویرانگر جنگ در امان مانده بود، سبب شد تا بار دیگر تصور عمل کردن جامعه همانند یک ماشین پیچیده و پیشرفته مورد توجه عده‌ای از جامعه‌شناسان آمریکایی قرار گیرد. یعنی یک بار فقدان نظم در کشورهای اروپایی و دیگر بار وجود نظم در آمریکا، عده‌ای از متفکران را به داشتن چنین تصویری از جامعه وا داشت.

ماشین و بدن براساس قوانین طبیعی عمل می‌کنند. طبیعت بیرون و مستقل از ماست. ما آن را پدید نیآورده‌ایم و قبل از ما وجود داشته است. تلاش ما برای شناخت قوانین طبیعت به هیچ‌وجه این قوانین را تغییر نمی‌دهد. ما فقط می‌توانیم این قوانین را بشناسیم، سپس با استفاده از علوم طبیعی و تا جایی که قوانین طبیعی به ما اجازه می‌دهند، در طبیعت و پدیده‌هایی مانند ماشین و بدن که بر اساس قوانین طبیعی عمل می‌کنند، تغییراتی ایجاد نماییم و آن پدیده‌ها را کنترل کنیم.



■ تولید هندوانه به شکل‌های هندسی گوناگون بدون جهش یا تغییرات ژنتیکی



■ درختی با چند نوع میوه؛ تلفیقی از علم و هنر

اما آیا جامعه نیز همانند ماشین و بدن انسان است؟ آیا می‌توان طبیعت و جامعه را یکسان دانست و از همان روش‌های علوم طبیعی در جامعه‌شناسی بهره گرفت؟ آیا یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه،

تسلط انسان بر جامعه را همان گونه که بر طبیعت تسلط یافته است، به دنبال خواهد داشت؟ اگر جامعه را همچون طبیعت تصور کنیم و آن را دستاوردی انسانی ندانیم، یعنی آن را واقعیتی بیرونی تصور کنیم که با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت اداره می‌شود، در آن صورت ما فقط می‌توانیم از دانش‌های ابزاری خود استفاده کنیم و جامعه و پدیده‌های اجتماعی را بشناسیم، اما قادر نخواهیم بود، تغییری بنیادین در جامعه به وجود آوریم. نظم اجتماعی بیرون و مستقل از ما خواهد بود و فقط باید خود را با آن تطبیق دهیم و سازگار کنیم.

یکسان دانستن طبیعت و جامعه، انسان‌ها را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد؛ در حالی که جامعه برخلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش‌های انسان‌هاست و بود و نبود آن وابسته به انسان است.

جامعه‌شناسان پوزیتیویست که می‌خواستند انسان را بر جامعه مسلط کنند، او را مغلوب جامعه ساختند. انسان در دیدگاه پوزیتیویستی، صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می‌شود. در حالی که انسان‌ها با موجودات طبیعی، تفاوت‌های بنیادی دارند.

جامعه‌شناسان پوزیتیویست، جامعه را نیز صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده می‌دانستند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمی می‌دیدند. از نظر آنها برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده‌ترند، در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته‌ترند.

آنها گمان می‌کردند که همه جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند. در حالی که واقعیت این است که انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگونی را پدید آورند.



■ در دشت نازکا پرو، صدها خط ساده و شکل هندسی و شکل حیوان، حشره و انسان وجود دارد که برخی از آنها حدود ۲۷۰ متر درازا دارند. همیشه این سؤال وجود دارد که مردم نازکا (۲۰۰ ق م - ۷۰۰ م) چگونه توانسته‌اند این خطوط را با محاسبات دقیق، با استفاده از وسایل ساده و بدون تجهیزات زمین‌پیمایی و نقشه‌کشی رسم کنند.

■ روش اولیه ساخت فولاد دمشقی در تاریخ گم شده است. در ساخت این فولاد از نانو لوله‌ها و ریز رشته‌های کربنی استفاده می‌شده است که چگونگی آن هنوز ناشناخته است.

بی شک انسان نیز مانند موجودات طبیعی، ویژگی‌های مادی و حسی دارد. به همین دلیل در برخی موارد بر زندگی انسان‌ها و موجودات طبیعی، قوانین مشترکی حاکم است. ما با شناسایی این قوانین، قدرت دست‌کاری در آنها برای بهبود بخشیدن به آنها را به دست می‌آوریم. ولی بین انسان‌ها و موجودات طبیعی تفاوت‌های بنیادی نیز وجود دارد.



به نظر شما چه تفاوت‌های مهمی میان جامعه و موجودات طبیعی وجود دارد؟ آیا این ویژگی‌های متفاوت را می‌توان با روش علوم طبیعی توضیح داد؟ آیا این تفاوت‌های بنیادی، رویکردهای دیگری را برای توضیح نظم اجتماعی ضروری نمی‌سازند؟



جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، نظم اجتماعی را بیشتر براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر قرارداد، نفع، ترس و اجبار می‌داند. افراد جامعه براساس نوعی قرارداد، قواعد و مقرراتی را می‌پذیرند. این قواعد، علاوه بر این که نفع افراد جامعه را تأمین می‌کنند، از آنها در برابر گزندها و آسیب‌ها نیز محافظت می‌نمایند. جوامعی که نظم اجتماعی را براساس الگوی پوزیتیویستی برقرار می‌سازند، شاید با تطمیع و تهدید و اجبار قادر باشند پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند اما در جلب مشارکت و همکاری افراد بر اساس میل، رضایت و رغبت، موفق عمل نمی‌کنند. از این رو هر روز باید بر حجم قواعد و قوانین نظارتی و نیروها و ابزارهای کنترل‌کننده خود بیفزایند.





## درس چهارم کنش اجتماعی

در اواخر سال ۱۳۹۲ هـ. ش. داعش یک روزه موصل، مرکز استان نینوا را با جمعیتی بالغ بر ۲/۷۰۰/۰۰۰ نفر اشغال کرد و آن را پایتخت حکومت خود اعلام نمود. سپس با ارتشی در حدود ۲۰۰ هزار نفر به سوی استان صلاح‌الدین هجوم برد و پس از مدت کوتاهی تقریباً تمام این استان را نیز تصرف کرد. پس از آن، در تدارک جشن پیروزی بود که خبر رسید یکی از شهرهای کوچک این استان به نام آمرلی با ۲۰ هزار نفر جمعیت، مقاومت می‌کند. داعش آب و برق این شهر را قطع کرد و مسیرهای ارسال غذا و دارو به شهر را بست اما مردم آمرلی می‌خواستند با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و فرهنگی خود و برخلاف نظم و نظریات معمول در برابر ۲۰۰ هزار داعشی بایستند. آنها با کمترین نیرو و امکانات نظامی، ۸۰ روز مقاومت کردند تا اینکه در نهایت گروه‌های مقاومت عراق خود را به آمرلی رساندند و حصر آن شهر شکسته شد. الگوی مقاومت آمرلی، نظامی نبود بلکه کاملاً فرهنگی بود. مردم این شهر سرباز نبودند ولی متعهد بودند. انتشار خبر پیروزی آمرلی برای داعش بسیار گران تمام شد؛ زیرا دیگر شهرهای عراق با همین الگو، در برابر داعش ایستادند و سه سال بعد موصل آزاد شد. مبارزه نظامی – همان‌گونه که از نامش پیداست – از نظم مشخصی پیروی می‌کند اما شکل دیگری از مبارزه وجود دارد که به جنگ‌های نامنظم شهرت یافته است. جنگ‌های نامنظم مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان محلی یک منطقه است که قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. سربازان جنگ‌های نامنظم معمولاً نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده را اجرا نمی‌کنند بلکه متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود عمل می‌کنند.

اصطلاح جنگ‌های نامنظم را اولین بار شهید مصطفی چمران به کار برد و روش‌های ویژه‌ای برای آن ابداع کرد. مقاومت مردم مسلمان آمرلی در برابر داعش، نمونه‌ای بارز از جنگ‌های نامنظم است. در جنگ‌های نامنظم افراد از نظم موجود پیروی نمی‌کنند بلکه از آن فراتر می‌روند و با ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورند. سربازان جنگ‌های نامنظم به سبب انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنویشان، توانی فراتر از نظم موجود به دست می‌آورند.

## خشتِ بنای جامعه

در درس گذشته آموختید که هر جامعه‌ای نظمی دارد. این نظم تا حد زیادی حاکم بر افراد است و به اقدامات آنها شکل می‌دهد. اما میزان این تسلط و تعیین‌کنندگی چقدر است؟ آیا ساختارهای اجتماعی، بر انسان‌ها مسلط هستند و سرنوشت آنها را تعیین می‌کنند؟ برخی گمان می‌کنند که افراد قدرت مقاومت در برابر ساختارها و ایجاد تغییر در آنها را ندارند. آیا این نظر صحیح است؟

می‌دانید که کنش اجتماعی خشتِ بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند. ساختارهای اجتماعی، هر چقدر هم جاافتاده و با سابقه باشند، با کنش‌های افراد به وجود آمده‌اند و برقرارند.



■ میزان تسلط و تعیین‌کنندگی ساختارها چقدر است؟ ساختارهای اجتماعی با کنش‌های افراد به وجود می‌آیند و برقرار می‌مانند.

● تاجری میان سال، واردکننده لوازم خانگی است. او با اداره‌هایی مانند گمرک و دارایی سروکار زیادی دارد و تلاش می‌کند، کار خود را در این اداره‌ها به ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن، پیش ببرد. به همین دلیل با برخی مسئولان و کارکنان این اداره‌ها روابط دوستانه برقرار کرده و گاهی به آنها هدایای ارزشمندی می‌دهد. البته از این امر چندان راضی نیست ولی آن را تنها راه پیشبرد کارهایش می‌داند. او معتقد است که کار در نظام اداری کشور فقط با پرداخت رشوه و برقراری رابطه، انجام می‌شود.

● منزل کارمند با سابقه یکی از اداره‌های دولتی شهر تهران تا اداره‌اش فاصله زیادی دارد. هرچند او می‌تواند با مترو یا اتوبوس تندرو به محل کار برود اما اغلب ترجیح می‌دهد از ماشین خود استفاده کند، چون تحمل معطلی و شلوغی را ندارد. او از ترافیک سنگین خیابان‌ها و آلودگی هوا شکایت دارد و معتقد است که مسئولان به درستی به وظایف خود عمل نمی‌کنند؛ برای همین، این مشکلات سال‌هاست که حل نشده باقی مانده‌اند.

نظام اداری کشور ما نارسایی‌هایی دارد و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کنشگران ایجاد می‌کند اما باید توجه داشت که این نظام اداری محصول کنش‌های مدیران، کارکنان، قانون‌گذاران و مراجعان است. آقای تاجر به‌عنوان یک واردکننده کالا یا پرداخت‌کننده مالیات، فردی بیرون از این نظام اداری نیست بلکه خود، عضوی از آن است و همچنان که با اقداماتش می‌تواند در تداوم و تثبیت آن نقش داشته باشد، می‌تواند موجب تغییر و تحول در آن نیز بشود. او با برقراری روابط دوستانه و پرداخت رشوه، خود به تداوم مشکلاتی که از آن گله‌مند است، کمک می‌کند. اگر از پرداخت رشوه برای پیشبرد کارش صرف‌نظر کند و دیگر همکارانش را هم از چنین کاری باز دارد، مسلماً با موانع و دشواری‌هایی مواجه می‌شود اما به سهم خود برای اصلاح این ساختار تلاش کرده است و چه بسا به مرور در این تغییر، موفق شود. آقای کارمند نیز با استفاده از خودروی خود، در تداوم ترافیک شهری و آلودگی هوا سهیم است و اگر از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کند، می‌تواند در حل این مشکلات مؤثر باشد.

در این مثال‌ها و ده‌ها مثال دیگر از این نوع، به روشنی می‌توان دید که مشکلات و مسائل اجتماعی، آن‌چنان که به نظر می‌رسند، بیرون از دایره نفوذ و تأثیر ما نیستند و این‌گونه نیست که فقط افراد خاصی، مثل مسئولان و مدیران، بتوانند بر آنها تأثیر بگذارند. همه ما از آنجا که عضوی از جامعه هستیم، با کنش‌های اجتماعی خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن، اثرمی‌گذاریم اگر چه میزان تأثیرگذاری همه اعضای جامعه یکسان نیست و صاحبان برخی مشاغل و مسئولیت‌ها، نسبت به سایرین اثرگذاری بیشتری دارند.

زندگی اجتماعی انسان و نظم، همزاد یکدیگرند اما انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بکاهند. به هر میزان که این آرمان‌ها و ارزش‌ها والاتر و انگیزه افراد برای تحقق بخشیدن به آنها قوی‌تر باشد، تغییر مهم‌تری ایجاد خواهد شد.

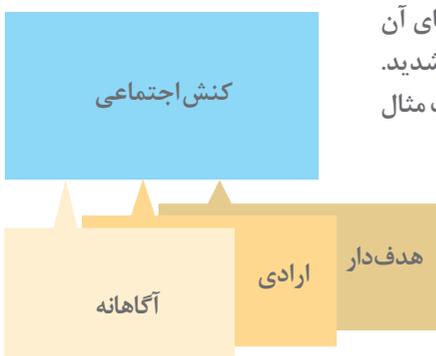


■ در دهه ۱۹۸۰ حجاب در مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات دولتی ترکیه ممنوع اعلام شد. دانشجویان ترکیه پویشی علیه این قانون به راه انداختند و شکایت خود را به دادگاه‌های ترکیه بردند.

■ حکومت ترکیه با تأیید نفوذ اسلام در جامعه و با هدف ایجاد نوعی مذهب که مورد تأیید حکومت باشد و اصول سکولار را تهدید نکند، مدارس امام خطیب را بنا کرد اما از سال ۱۹۷۰ این مدارس به پناهگاهی برای اسلام‌گراها تبدیل شدند.

ممکن است تاجری که مثال زده‌ایم، مشکلات زیادی را تحمل کند اما برای حفظ منافع اقتصادی‌اش، انگیزه زیادی برای تغییر وضعیت موجود نداشته باشد یا کارمندی که درباره او سخن گفته‌ایم، با مشکلات شهری متعددی مواجه باشد اما برای حل آنها هیچ اقدامی نکند. در مقابل، ممکن است عموم مردم چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که آغازگر حل یک بحران جهانی شوند؛ همانطور که مقاومت مردم آمرلی، سرآغاز فروپاشی داعش شد.

### شرح دهید



با مفهوم کنش اجتماعی و ویژگی‌های آن در کتاب جامعه‌شناسی (۱) آشنا شدید. ویژگی‌های کنش اجتماعی را در یک مثال تشریح کنید.

## پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی

فرض کنید بحث شما با دوستان بالا بگیرد. او عصبانی شده است و می‌خواهد با شما درگیر شود؛ شما در چنین موقعیتی چه انتخاب‌هایی دارید؟ می‌توانید به دوستان لبخندی بزنید، محیط را ترک کنید، خود را به کار دیگری سرگرم کنید، با دوست دیگری گفت‌وگو کنید، از کیفیتان کتابی درآورید و مشغول مطالعه شوید، به کنار پنجره بروید و خود را به بی‌خیالی بزنید و البته می‌توانید با او درگیر شوید و حتی - خدای ناکرده - زدوخورد کنید یا... در چنین وضعیتی باید پیامدهای کنشی را هم که انتخاب می‌کنید، در نظر بگیرید. همه این انتخاب‌ها کنش اجتماعی محسوب می‌شوند؛ یعنی فعالیت معناداری که با توجه به دیگری انجام می‌شود. فلزات، نقطه جوش و ذوب مخصوص خود را دارند، اما انسان‌ها این‌گونه نیستند؛ برخی انسان‌ها زود جوش می‌آورند، عصبانی می‌شوند و از کوره در می‌روند اما بعضی دیگر صبورند و دیر عصبانی می‌شوند.

انسان‌ها، برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است. آنها در شرایط گوناگون، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. به همین دلیل کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد، زیرا اگرچه حس و تجربه از ابزارهای مهم شناخت علمی هستند اما روش تجربی توان فهم معانی کنش انسان‌ها را ندارد.

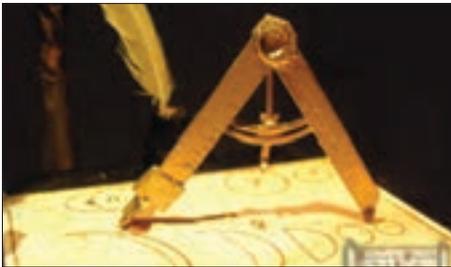


■ «اوردوس» بزرگ‌ترین شهر متروکه جهان است که با وجود سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت چین برای تشویق و ترغیب هزاران نفر به سکونت در آن، تقریباً خالی از سکنه مانده و شهر ارواح لقب گرفته است.

رویکرد پوزیتیویستی بر آنچه مشاهده می‌شود تمرکز می‌کند و اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد. نادیده گرفتن کنش در زندگی اجتماعی انسان چه پیامدهایی دارد؟

نادیده گرفتن کنش، نادیده گرفتن ویژگی‌های آن است و پیامدهایی دارد:

● **خلاقیت زدایی:** کنش اجتماعی، ارادی است. اما جامعه‌شناسان پوزیتیویستی با تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی و یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرند. تأکید افراطی بر نظم اجتماعی به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی است، صرفاً آن را رعایت کنند. به علاوه، این تأکید موجب سرکوب روحیهٔ خلاق انسان‌ها در بسیاری عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود. انقلاب‌های اجتماعی، اندیشه‌های جدید، شاهکارهای هنری و اختراعات بزرگ هنگامی پدید می‌آیند که انسان از نظم موجود گامی فراتر می‌گذارد. ماکس وبر از سلطهٔ چنین نظمی که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آنها دارد، به قفس آهنین تعبیر می‌کند.



■ یکی از ابزارهایی که گالیه برای رسم اشکال هندسی ساخت. او روش تجربی را در دورانی به کار گرفت که شهود تنها روش علمی قابل قبول بود.

■ نظم اجتماعی و خلاقیت دو بال موفقیت انسان‌ها هستند.

● **ارزش زدایی:** کنش اجتماعی، هدف‌دار است. برخی اهداف کنشگران قابل مشاهده‌اند ولی انسان‌ها اغلب در کنش‌هایشان به دنبال تحقق اهداف و ارزش‌هایی هستند که دیگران نمی‌توانند آنها را مشاهده کنند. در جامعه‌شناسی پوزیتیویستی ارزش بودن مهربانی و فداکاری و ضد ارزش بودن کینه‌توزی و خودخواهی قابل فهم نیست؛ زیرا با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان گفت که مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه‌توزی یک ردیلت اخلاقی است.



■ اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین اینکه چه کسی از نژاد برتر برخوردار است و برگزاری جشنواره‌های زیبایی در روزگار ما، نشان‌دهندهٔ تأکید افراطی بر امور قابل مشاهده‌اند.

به سبب اینکه بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد پوزیتیویستی قابل توضیح نیستند، کسانی که فقط روش‌های تجربی را معتبر می‌دانند، با انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی، مذهبی و... دچار اخلاق‌گریزی می‌شوند. بزرگ‌ترین کشتار جهان در جنگ‌های جهانی اول و دوم، میان توسعه‌یافته‌ترین کشورها رخ داد و با فاجعه‌ی هیروشیما و ناکازاکی پایان یافت. تعداد کشته‌های دو جنگ جهانی را با تعداد کشته‌های حمله‌ی مغول به ایران بزرگ مقایسه کنید. چرا پیشرفت‌های چشمگیر جهان غرب در حوزه‌ی صنعت و فضا به فراگیرتر و عمیق‌تر شدن فجایع انسانی و زیست‌محیطی منجر شده است؟



■ تربیت و نگهداری حیوانات در سیرک‌ها و تبدیل کردن آنها به موجوداتی آرام و دست‌آموز برای اجرای نمایش با روش‌هایی از قبیل جداسازی از طبیعت، تنبیه بدنی، تحمل گرسنگی و شرطی کردن آنها صورت می‌گیرد.

● **معنازدایی:** چرا برخی از جوانان و نوجوانان به استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای اعتیاد دارند؟ جامعه‌شناسان پوزیتیویست نشان داده‌اند که میان عواملی مانند میزان پرخاشگری، هیجان، خواب، وضعیت تحصیلات و تأهل با اعتیاد به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای رابطه وجود دارد. اما آیا این عوامل می‌توانند علت اعتیاد جوانان به بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت را نشان دهند؟ آیا گرایش افراطی افراد به بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت صرفاً به این عوامل قابل مشاهده بستگی دارد؟ آیا می‌توان بدون توجه به تفسیر کاربران از موقعیت خاص خود، به این پرسش پاسخ صحیح داد؟

کنش اجتماعی، آگاهانه و معنادار است. نادیده گرفتن معنای کنش، سبب شده است که، بیشتر مطالعات پوزیتیویستی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند. اما اگر تفسیرهای جوانان و نوجوانان را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که عامل اصلی گرایش این کاربران به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای، معنای استفاده از این ابزار است. بیشتر جوانان و نوجوانان استفاده هرچه بیشتر از اینها را به‌روز بودن<sup>۱</sup>، سرگرمی، هیجان،

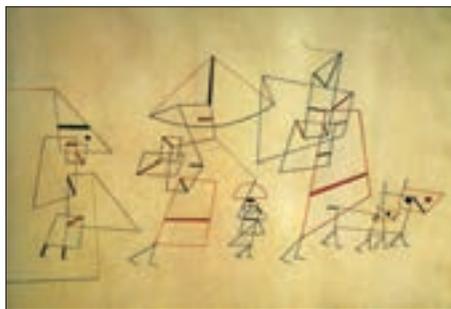
۱- با اینکه فضای مجازی معنای به‌روز بودن را در خود دارد ولی سبب می‌شود که فرد کاربر از زمان و مکان خودش جدا شود، با وجود دسترسی به مطالب زیاد و متنوع از دسترسی به مطالب مهم محروم گردد، با وجود آزادی و قدرت، تحت کنترل قرارگیرد و با وجود سرگرم شدن، سطحی شود.

آزادی و توانایی معنا می‌کنند. این قبیل معانی و انگیزه‌ها، عوامل اصلی حضور افراطی جوانان و نوجوانان در فضاهای مجازی است.

برای فهم انگیزه جوانان و نوجوانان نمی‌توان از روش‌های تجربی استفاده کرد، بلکه باید همدلانه با جوانان همراه شد تا مسائل زندگی و آرزوهای آنها را فهمید و آنان را یاری داد. البته همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه کردن به مسائل آنها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آنهاست. ما در جهان اجتماعی با افراد آگاه سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیر آنها از خودشان، به فهم همدلانه رفتار آنها دست پیدا کنیم.



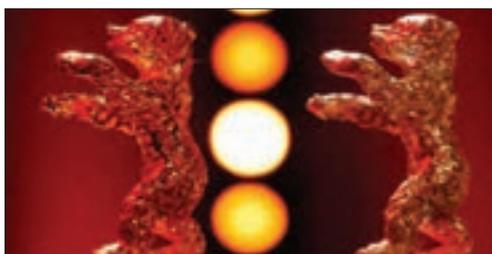
■ زرد، قرمز، آبی اثر واسیلی کاندینسکی، خالق نقاشی‌های مدرن انتزاعی.



■ گردش خانوادگی اثر پاول کله. به گفته او در ورای ابهام، رمز و رازی نهفته است که با هنر می‌توان به آن راه یافت.



■ جشنواره جهانی فیلم فجر هر ساله در تهران برگزار می‌شود و مهم‌ترین جشنواره سینمایی ایران است.



■ جشنواره‌های فیلم و موسیقی فراوانی در جهان برای شناخت بهترین‌های دنیای هنر وجود دارد.

تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی به حذف اراده و خلاقیت، ارزش و اخلاق، آگاهی و معنا از زندگی اجتماعی می‌انجامد و شور زندگی را از انسان‌ها می‌گیرد. برای جلوگیری از بروز چنین پیامدهایی، کنش اجتماعی مورد توجه برخی جامعه‌شناسان قرار گرفت. نظریه‌پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند و زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر آگاهی و معنا، مطالعه می‌کنند. این جامعه‌شناسان، ویژگی‌های دیگر کنش، یعنی اراده و ارزش را مهم می‌دانند ولی آنها را برخاسته از آگاهی و تابع آن می‌بینند. همین نگاه مسیر را برای عبور از جامعه‌شناسی پوزیتیویستی و روی آوردن به جامعه‌شناسی تفهیمی - تفسیری هموار ساخت.

#### مقایسه کنید

به نظر شما انسان به مثابه شیء و انسان به مثابه آگاهی و معنا، در روابط اجتماعی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟



■ انسان در فیلم سینمایی عصر جدید، شیء و در فیلم سینمایی تلقین، موجودی آگاه دانسته شده است.

### مفاهیم اساسی

- معنزدایی .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### خلاصه کنید

- رویکرد پوزیتیویستی، کنش و معنای آن را نادیده می‌گیرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## درس پنجم معنای زندگی

این اواخر در ذرت زارها به آوای فاخته گوش می‌دادم. شکوفه‌های سیب، مثل تکه‌های معطر کاغذ رنگی، چرخ زنان در جلوی پایم به زمین می‌ریختند. بارانی که بر چمن آفتاب خورده می‌بارید، بوی خوشی داشت. همه چیز خاطرات روزهای گذشته را به یاد می‌آورد. فکر می‌کردم، روزگار کنونی ما عجب روزگاری است و چقدر با پنجاه سال پیش فرق دارد. اما همین که بیشتر فکر می‌کنم، می‌بینم به شکرانه‌ی الهی، خیلی از چیزها همان است که آن روزها هم بود؛ صدای فاخته، شکوفه‌ها، صحبت‌های دلنشین دور سفره‌ی غذا، عشق و ازدواج. می‌دانم که ازدواج‌های امروزی خیلی فرق کرده‌اند اما هنوز هم انسان‌ها با یکدیگر عهد می‌بندند تا پایان عمر با هم باشند و همدیگر را دوست داشته باشند. در هر بخش از زندگانی، شکل بیرونی عوض شدنی است. شاید هم باید تغییر کند اما جان کلام همان است که بود. به نظرم در گیرودار زندگانی مدرن، بیش از اندازه مفتون ظاهر امور شده‌ایم؛ به طوری که اصل مطلب فراموش شده است. گاهی ضرورت دارد، تلویزیون را خاموش کنیم، به طبیعت و کسانی که دوستشان داریم، نزدیک شویم و بار دیگر فارغ از اینکه دیگران چه می‌گویند و چه نظری در مورد ما دارند، به یاد بیاوریم که زنده بودن چه نعمت بزرگی است؛ تنها در این صورت است که می‌توانیم ذهنمان را به اصل مطلب معطوف کنیم و اصل مطلب، معنای زندگانی است. از قرار معلوم، زنده ماندن یا رفاه داشتن دلیل موجهی برای زندگانی نبوده و نیست. هر موجود بی‌اهمیتی می‌تواند همین‌ها را بخواهد. من معتقدم زندگی من واقعاً حکمتی دارد، معنایی دارد؛ اگر چه هنوز نتوانسته‌ام آن را به روشنی و وضوح در زندگی‌ام ببابم.

(چارلز هندی، همه‌کیمیایم؛ تأملی درباره‌ی کار و زندگانی)

## پرسش از معنای زندگی

زندگی چیست و انسان‌ها با چه آرمان، انگیزه و دلیلی به زندگی ادامه می‌دهند؟ انسان‌ها چه تفاوتی با یکدیگر دارند که برخی در زندگی خود امیدوارند و برخی احساس پوچی و بیهودگی می‌کنند و زندگی را تکراری و ملال‌آور می‌بینند؟ چه چیزهایی زندگی را گوارا و شیرین می‌کند و چه عواملی آن را تلخ و ناگوار می‌سازد؟ معیار زنده بودن چیست؟ آیا به صرف وجود علائمی چون نفس کشیدن، خوردن و رشد جسمانی می‌توان انسان را زنده دانست؟ مرگ پایان زندگی است یا مرحله‌ای از مراحل زندگی انسان است؟ و...

پرسش از معنای زندگی و ده‌ها پرسش دیگر مرتبط با آن، همواره ذهن انسان‌ها و بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. این پرسش‌ها در جهان متجدد و در میان صاحب‌نظران علوم اجتماعی نیز مطرح بوده‌اند؛ اینکه آیا زندگی معنادار است؟ چه چیزی به زندگی، لذت‌ها و رنج‌های آن معنا می‌بخشد؟ آیا زندگی معانی از پیش تعیین‌شده دارد یا انسان‌ها خود به زندگی خویش معنا می‌بخشند؟ آیا انسان از معنای زندگی‌اش آگاه است یا از آن غافل است؟ آیا کنش‌های افراد، بیانگر معنای زندگی آنهاست؟ آیا انسان به همه معانی مختلفی که می‌توان برای زندگی در نظر گرفت، گرایش یکسانی دارد یا بنا به سرشت خود، به برخی معانی زندگی گرایش بیشتری دارد و از برخی معانی متنفر و گریزان است؟ و...

مسئله معنای درباره‌کل زندگی انسان و در مورد تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله کنش‌ها مطرح است. این پرسش که چگونه می‌توان معنای زندگی و معنای کنش انسان‌های دیگر را فهمید، یکی از پرسش‌های مهم و کلیدی برای اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است.

تلاش کنید به یکی از پرسش‌های بالا پاسخ دهید. شما چه سؤال دیگری درباره معنای زندگی دارید؟



■ کوبه‌ها نشانه‌ای از فرهنگ ایرانی بر در خانه‌های روزگار قدیم هستند. کوبه مردانه صدای بم و کوبه زنانه صدای زیر داشت. صاحبخانه با شنیدن صدای کوبه متوجه می‌شد که مهمان پشت در، آقا است یا خانم.

■ باغ سنگی سیرجان که تنه درختانش خشکیده و به جای میوه از شاخه درختانش سنگ‌های کوچک و بزرگ آویزان است، حکایت غریبی است از مردی که یکی از زیباترین موزه‌های هنر انتزاعی را در میان بیابان برپا کرده است.

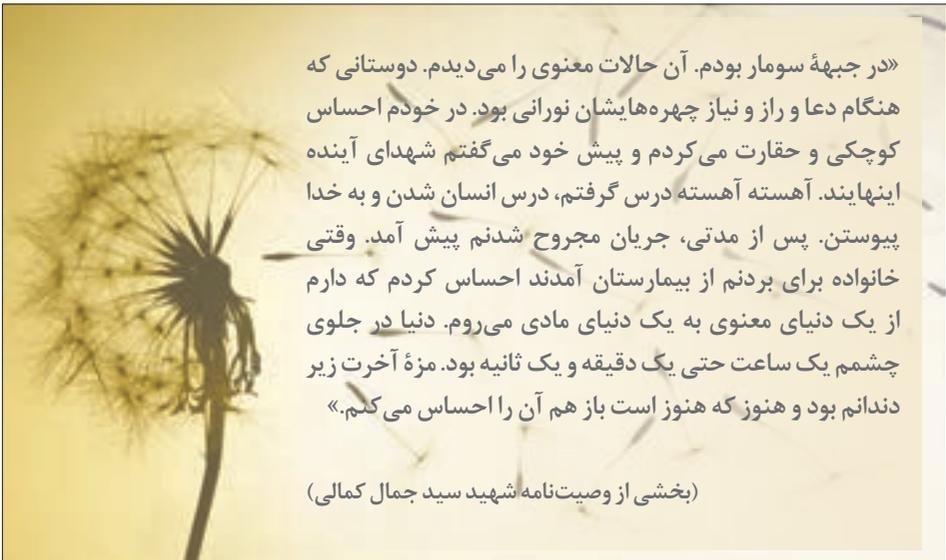
مستند «مشتی اسماعیل» روایت زندگی پیرمردی نابینا اما زنده دل است که زندگی را زیبا می‌بیند. او معرفتی دارد که بیننده را مبهوت و متعجب می‌کند. شوق او به زندگی، تماشایی است. این مستند در جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی مانند ویزیون دوریل سوئیس، مذهب ایتالیا، پالم اسپرینگ آمریکا، فیپای فرانسه نمایش داده شده و مورد تحسین قرار گرفته است.

## پیچیدگی پدیده‌های انسانی و اجتماعی

بررسی و مطالعه پدیده‌های انسانی و اجتماعی، بدون توجه به عمق آنها، به نتیجه‌گیری‌های غلط و اشتباه منجر می‌شود.

سه پدیده زیر را در نظر بگیرید:

- در طول هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صدها هزار نفر از رزمندگان ایرانی جان خود را از دست دادند. بسیاری از این شهیدان، در سنین جوانی و نوجوانی، در شیرین‌ترین دوران عمر خود، به شهادت رسیدند. روایت‌ها و مستندات به‌جا مانده از آن دوران، از آرزو و رقابت تنگاتنگ رزمندگان برای شهادت حکایت می‌کند. بسیاری از بازماندگان این دوران، زنده ماندن خود در جنگ و جاماندن از قافله هم‌زمان شهیدشان را خسرانی بزرگ و مهم‌ترین حسرت زندگی‌شان می‌دانند.



- در همه جنگ‌ها همیشه سربازانی بوده‌اند که با آگاهی کامل از احتمال کشته‌شدن پا به میدان جنگ گذاشته‌اند؛ این سربازان قطعاً انگیزه‌های مهمی مانند دفاع از وطن و پیروزی بر دشمن داشته‌اند. اما شاید نتوان به آسانی سربازانی را یافت که جان‌باختن در راهی که برگزیده‌اند را بخشی از کمال خود بدانند و آن را آرزو کنند.
- خودکشی یک کنش غیرعادی است که از گرایش به مردن به جای زنده ماندن حکایت دارد. گرایشی که برخلاف طبیعت و سرشت انسان است.



■ با یاد خدا و توکل به او و با گذشت زمان، می‌توان بر دردی که در حال حاضر طاقت‌فرسا و دائمی به نظر می‌رسد، غلبه کرد.

■ در جنگ جهانی دوم، هزاران خلبان ژاپنی برای عملیات کامیکازه داوطلب شدند. آنها در این عملیات، هواپیماهايشان را به ناوهای دشمن می‌کوبیدند.

شبهات و تفاوت این پدیده‌ها چیست؟ شبهات «شهادت‌طلبی»، «فدا کردن جان برای وطن» و «خودکشی»، دست شستن از جان و زندگی در دنیا و استقبال از مرگ است. تفاوت آنها در معنای متفاوتشان است و دقیقاً همین معانی متفاوت، هویت آنها را تعیین می‌کند و از آنها سه پدیدهٔ مختلف می‌سازد.

«شوق به حیات جاودانه، عشق به دیدار محبوب، دفاع از دین، مبارزه با ظلم، اقامهٔ حق، مبارزه با باطل و...»، «دفاع از غرور ملی، میهن‌دوستی، غلبه بر دشمن، کشورگشایی، هیجان و...»، «رنج‌گریزی، احساس پوچی، فشارهای اقتصادی، بحران‌های اجتماعی، بحران معنویت و...» برخی از این معانی هستند. می‌بینید که درون هر کدام از این پدیده‌ها نیز تفاوت و تنوع معنایی وجود دارد.

پس از انقلاب صنعتی، مسئلهٔ خودکشی به شکل بی‌سابقه‌ای در جوامع صنعتی رواج پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که جامعه‌شناسان، روان‌پزشکان، اقتصاددانان، حقوق‌دانان و حتی فیلسوفان را به مطالعهٔ این پدیده و چاره‌اندیشی برای آن واداشت. پاسخ‌های صاحب‌نظران علوم مختلف به چرایی وقوع خودکشی با یکدیگر متفاوت است، علاوه بر این اندیشمندان یک حوزه نیز در این باره نظرات متفاوت و حتی متعارضی ابراز کرده‌اند.

برای مثال جامعه‌شناسانی که در تحلیل خودکشی به عوامل اقتصادی مانند فقر، کاهش رفاه عمومی و... توجه کرده‌اند، از سوی برخی دیگر از جامعه‌شناسان با این انتقاد روبه‌رو هستند که نرخ خودکشی در بعضی از کشورها با سطح رفاه عمومی بالا، بیشتر از برخی جوامع با سطح رفاه و شرایط اقتصادی پایین‌تر است.

وجود نظریات متفاوت، نشانه پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی و البته دشواری فهم آنهاست. برخی رویکردها برای دستیابی به پاسخ‌های ساده، سراسر است و کاملاً قابل پیش‌بینی درباره چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی، پیچیدگی و عمق این پدیده‌ها را نادیده می‌گیرند و از پدیده‌های اجتماعی و انسانی هویت‌زدایی می‌کنند.

### بخوانیم و بدانیم

آیا تأکید بر پیچیدگی کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی و تنوع معانی آنها به این معناست که جوامع انسانی هیچ شباهت و اشتراکی ندارند؟

بخشی از پیچیدگی کنش‌های انسانی، به سبب وابستگی این کنش‌ها به ویژگی‌های فردی، مانند توانایی‌های ذهنی، عاطفی، جسمانی و همچنین ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی مانند تنوع فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و موقعیت اجتماعی است. اما انسان‌ها همچنان که دارای تفاوت‌های فردی و اجتماعی بسیاری هستند، مشابهت‌های فراوانی نیز دارند؛ مثلاً همه انسان‌ها دارای نیازهای طبیعی و غریزی مشابهی هستند؛ از این رو برای تأمین غذا و سرپناه تلاش می‌کنند، تشکیل خانواده می‌دهند و... همچنین ویژگی‌های متعالی مانند میل به جاودانگی، کمال‌جویی، تنفر از نقص، سعادت‌طلبی، گرایش به زیبایی، تنفر از ظلم، علاقه به کشف حقیقت مورد توجه همه انسان‌هاست.

لازمه شناخت پدیده‌های اجتماعی، شناخت صحیح و توأمان «تفاوت‌های فردی - اجتماعی» و «جوه مشترک» انسان‌هاست.



■ عروسی روستاییان اثر پیتروبروگل.



■ مراسم عروسی در هندوستان



■ مراسم عروسی در دوره قاجاریه در ارومیه



یک داستان شش کلمه‌ای که برنده  
جایزهٔ بهترین داستان خیلی کوتاه  
جهان شده است:  
هیچ حواسم نبود...  
دو فغان ریختم ...

(آلیستر دانیل، اندوه)

## گفت و گو کنید

وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین منابع برای تفسیر رفتار، افکار و شخصیت شهدای ایرانی است. در کلاس به گروه‌های چند نفره تقسیم شوید و در هر گروه، وصیت‌نامهٔ یکی از شهدای دفاع مقدس را مرور کنید و دربارهٔ انگیزه‌های رزمندگان ایرانی از شهادت‌طلبی با دوستان خود گفت‌وگو کنید.

## جامعه‌شناسی تفهمی – تفسیری

کنش‌های انسان‌ها معنادارند و تمامی پدیده‌های اجتماعی، نتیجه و برآیند همین کنش‌های معنادارند. رویکرد تفهمی – تفسیری در تقابل با رویکرد پوزیتیویستی، بر این باور است که کنشگران بر اساس معنایی که در ذهن دارند، دست به عمل می‌زنند. بنابراین برای فهم زندگی اجتماعی باید از ظاهر پدیده‌های اجتماعی عبور کرد و به معانی نهفته در کنش‌ها راه یافت.

وقتی از معنای کنش می‌پرسیم دقیقاً دربارهٔ چه چیزی سؤال می‌کنیم؟ گاهی منظورمان قصد و هدف کنشگر از انجام دادن کنش است؛ مثلاً ممکن است هدف دانش‌آموزی از درس خواندن، کشف حقیقت، افزایش معلومات، اشتغال، کسب موقعیت اجتماعی و... باشد. گاهی منظورمان چیزی است که کنش انسان، نماد و نشانه‌ای از آن است و بر آن دلالت می‌کند؛ مثلاً درس خواندن یک دانش‌آموز می‌تواند نشان‌دهندهٔ فضای رقابتی در مدرسه، ارزشمند بودن سوادآموزی در جامعه، اهمیت تحصیلات برای والدین و... باشد.

برای پی‌بردن به هدف کنش، باید به ذهن کنشگر راه یابیم و برای فهمیدن دلالت‌های کنش، باید به زمینهٔ فرهنگی‌ای که کنشگر در آن عمل می‌کند، مراجعه کنیم. به عبارت دیگر، فهم هر کنشی مستلزم دسترسی به معنای ذهنی (فردی) و معنای فرهنگی (اجتماعی) نهفته در آن است.

کنشگران فردی و جمعی، هم در معنای ذهنی و هم در معنای فرهنگی، فعال و خلاق‌اند. همین فعالیت و خلاقیت کنشگران، موجب پیدایش معانی گوناگون و در نتیجهٔ آن، پدید آمدن خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف، درون هر جهان اجتماعی می‌شود.



■ عبایه یا چادر عربی پوششی است که عرب‌های ایران از آن استفاده می‌کنند. رنگ عبایه سیاه است و رنگ دیگری ندارد.



■ چادر رنگارنگ بندری یکی از زیباترین پوشش‌های سنتی رایج در ایران است که به پوشش‌های مرسوم در هند و شمال آفریقا شباهت دارد.



■ پوشیدن چادر کاملاً سفید در شهر ورزنه، از رسوم بسیار قدیمی است که در جهان اسلام منحصر به فرد است.

علاوه بر این خلاق و فعال بودن انسان‌ها در تولید معانی، موجب پیدایش فرهنگ‌ها و جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود. جهان‌های اجتماعی مختلف، معانی ذهنی و فرهنگی متفاوتی پدید می‌آورند؛ مثلاً ممکن است لباس و ظاهر زیبا در فرهنگی، بر جایگاه و پایگاه اجتماعی والا دلالت نکند یا در فرهنگ دیگری، علم‌آموزی بر ارزشمندی علم دلالت نکند بلکه با هدف غلبه بر دیگران یا به دست آوردن شغل پردرآمد، انجام شود.

تنوع و تکثر معانی، موجب پیچیدگی کنش‌های انسانی و دشواری فهمیدن معانی آنها می‌شود. بنابراین برای فهم کنش انسان‌ها باید به سراغ روش‌هایی رفت که این تنوع‌ها و تفاوت‌ها را در نظر می‌گیرد. این روش‌ها در مقابل «روش‌های کمی» قرار می‌گیرند که در جامعه‌شناسی پوزیتیویستی به کار می‌روند، و به نام «روش‌های کیفی» شناخته می‌شوند. «قوم‌نگاری» یکی از این روش‌ها است. در این روش، پژوهشگر برای مدتی با قومی که قصد تحقیق درباره آنها را دارد، زندگی می‌کند؛ خود را در شرایط فرهنگی آن قوم قرار می‌دهد و کنش‌هایشان را تجربه می‌کند تا آنها را بهتر بشناسد.



■ پرسشنامه با پاسخ‌های چند گزینه‌ای، از ابزارهای گردآوری اطلاعات در روش‌های کمی است.



■ مطالعه رفتار حیوانات در آزمایشگاه روان‌شناسی. آزمایش به معنای آزمون یک فرضیه در شرایط کاملاً کنترل شده‌ای است که توسط محقق ترتیب داده می‌شود. این روش در علوم طبیعی متداول است و در جامعه‌شناسی کاربرد چندانی ندارد.

«مطالعه موردی» یکی دیگر از روش‌های کیفی است. اگر محقق بخواهد تمامی ابعاد یک پدیده اجتماعی خاص مثلاً یک فرد، یک نهاد اجتماعی یا یک فرهنگ را مطالعه کند و عمق پنهان و منحصر به فرد بودن آن را نشان دهد، از این روش استفاده می‌کند. برای مثال یکی از جامعه‌شناسان برای تحقیق دربارهٔ بیمارستان روانی به عنوان یک نهاد اجتماعی و اثر آن بر بیماران، ماه‌ها به عنوان کارمند در یک بیمارستان روانی مشغول به کار شد و از طریق مشاهده مشارکتی به تحقیق پرداخت.



■ قوم‌نگاری، نوعی پژوهش کیفی بر اساس مشاهده مشارکتی است که در آن محقق به دنبال پرده برداشتن از معناهایی است که در کنش‌ها نهفته‌اند.



■ «انسان‌شناسا اومدن، انسان‌شناسا اومدن» این کاریکاتور بیانگر اشکالاتی است که هنگام مطالعه انسان‌ها که موجوداتی دارای آگاهی هستند، بروز می‌کند.

## بخوانیم و بدانیم

کاپیتان کوک و ملوان‌های همراهش در سفر اول به هاوایی، به گرمی مورد استقبال و پذیرایی ساکنان جزیره قرار گرفتند. بومیان، مراسم و آیین‌های شگفت‌انگیز و اسرار آمیزی انجام دادند، هدایای گران‌قیمتی به کاپیتان و همراهانش تقدیم کردند. کاپیتان کوک این‌طور فهمید که بومیان او را «اورونو» فرض کرده‌اند، و فکر می‌کرد که این فقط لقب و عنوانی میان ساکنان جزیره است. در نگاه کاپیتان کوک همهٔ این تشریفات، نوعی ابراز دوستی و علاقه بود و جز این معنای دیگری برای او نداشت. ولی در واقع، «اورونو» خدایی بود که سال‌ها پیش رفته بود اما بنا به پیشگویی‌ها باز می‌گشت. بومیان هاوایی فکر کرده بودند که کاپیتان کوک همان خداست و برای همین به ستایش او پرداخته بودند و این به نفع کوک و همراهانش تمام شده بود. آنها کشتی‌هایشان را کاملاً مرتب کردند، با غذاهای مفصل مورد پذیرایی قرار گرفتند، استراحت کردند و در شرایطی کاملاً مساعد، هاوایی را ترک گفتند. اما بعد از آنکه دو هفته‌ای در دریا

بودند، بادبان یکی از کشتی‌ها آسیب جدی دید و همین سبب شد که تصمیم بگیرند دوباره به همان جزیره بازگردند. دلیلی نداشت چنین تصمیمی را اشتباه بدانند. این بازگشت می‌توانست دیداری دوباره از دوستان قدیمی باشد یا درخواست کمک از کسانی که پیش از این نیز به آنها کمک کرده بودند یا... اما در نظر بومیان این بازگشت نشانه قطعی آن بود که کاپیتان کوک، خدا نیست بلکه صرفاً دروغگو یا مزاحمی است که آمده و کلی هزبنه، زحمت و هدیه روی دستشان گذاشته است. بازگشت کوک او را از مقام خدایی در نزد بومیان انداخت و او بهای اشتباهش را با جانش پرداخت. چون پس از بازگشتش بومیان او را به قتل رساندند. کاپیتان کوک جانش را از دست داد چون نمی‌دانست بازگشت دوباره و ناگهانی به هاوایی از دید بومیان چه معنایی دارد. اگر کاپیتان کوک تلاش می‌کرد کنش‌ها و رسوم مردم هاوایی را از منظر خودشان و نه از منظر خودش درک کند، این اتفاق ناگوار برای او رخ نمی‌داد.

(فلسفهٔ امروزین علوم اجتماعی، برایان فی)

#### نمونه بیاورید

در یکی از اردوهای جهاد سازندگی که به خوزستان رفته بودیم، میهمان عشایر عرب‌زبان منطقه شدیم. در همین سفر بود که هر آنچه از میهمان‌نوازی و خونگرمی آنها شنیده بودیم را با چشم خودمان دیدیم. از میان همهٔ آداب میهمان‌نوازی، یکی از رسوم میزبان به ما این درس را داد که آشنایی با آداب و رسوم اقوام مختلف و آگاهی از معنای این سنت‌ها تا چه اندازه در درک متقابل و برقراری ارتباط، مهم است. ماجرا از این قرار بود که پس از هر بار نوشیدن چای، میزبان بدون درنگ دوباره استکان‌های خالی ما را پر می‌کرد. این کار آنقدر تکرار شد تا یکی از دوستان ضمن تشکر به صراحت گفت که پذیرایی به قدر کفایت انجام شده است و ما دیگر میلی به نوشیدن چای نداریم. میزبان خونگرم و میهمان‌دوست هم توضیح داد که در میان عشایر منطقه، تا زمانی که میهمان استکان خالی‌اش را به صورت وارونه در نعلبکی قرار ندهد، بدین معناست که همچنان به خوردن چای تمایل دارد و او نیز به همین علت دوباره در استکان‌های ما چای می‌ریخته است.

در صورتی که شما نیز تجربهٔ مشابهی داشته‌اید و با کنش‌هایی مواجه شده‌اید که معنای آن را نمی‌دانسته‌اید، آن را با دوستانتان در میان بگذارید و بگویید چگونه توانستید معنای آن کنش را دریابید.



■ زنان ترکمن بعد از ازدواج در زیر چارقداشان حلقه‌ای روی سر قرار می‌دهند که نشانه متاهل بودن آنهاست و آنان را از افراد مجرد متمایز می‌سازد. افرادی که این نشانه را می‌شناسند، معنای نهفته در آن را در می‌یابند.

### تحقیق کنید

از میان موضوعات زیر یک مورد را انتخاب کنید و با راهنمایی دبیر خود و با استفاده از روش‌های کیفی درباره مسئله یا موضوعی مرتبط با آن تحقیق کنید:  
زنگ تفریح، مدارس غیرانتفاعی، کلاس‌های کنکور، هواداری از یک تیم ورزشی، زندگی فرد معتاد به مواد مخدر، تکدی‌گری، الگوهای دوست‌یابی، افت تحصیلی، کودکان کار، بدحجابی، مزایا و معایب شبکه‌های اجتماعی.

